

دکتر گری میدورز، اول قرن‌تیان، درس ۲۰، پاسخ پولس به مسائل جنسی و ازدواج، تفسیری بر کتاب مقدس و طلاق، اول قرن‌تیان ۷

گری میدورز و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

این دکتر گری میدورز در حال تدریس در مورد کتاب اول قرن‌تیان است. این جلسه 20، اول قرن‌تیان 7، پاسخ پولس به مسائل جنسی و ازدواج، بررسی اجمالی کتاب مقدس و طلاق است.

خب، این سومین سخنرانی مرتبط با اول قرن‌تیان فصل 7 است. ما متن فصل و برخی از مسائلی که در آن مطرح شده است را بررسی کرده‌ایم.

و من قصد دارم چیزی را که به آن «بررسی اجمالی ازدواج و طلاق در کتاب مقدس» می‌گویم، انجام دهم. خب، این موضوع بسیار مهمی است. در واقع بخش بزرگی از کتاب‌های قفسه پشت سرم را برای مطالعه در مورد این موضوع نگه داشته‌ام.

بیشتر کتابخانه من در واقع در هوستون، تگزاس، در کتابخانه الهیات لانیر، لانیر، لانیر است. وقتی بازنشسته شدم، بیش از ۵۰۰۰ نسخه از کتابخانه‌ام به آنجا رفت. من اینجا در خانه‌ام در فلوریدا به اندازه کافی کتاب دارم که بتوانم برخی از کارهایی را که انجام می‌دهم، انجام دهم.

اما، نگاهی اجمالی به ازدواج و طلاق می‌خواهم فقط یک مرور کلی، چند ایده و کمی تاریخچه تفسیر به شما ارائه دهم تا شما، به عنوان یک متخصص در خدمت، بتوانید درک خود را از این موضوع تقویت کنید. زیرا در خدمت مدرن، این بخش بزرگی است که رهبران خدمت باید بتوانند با آن برخورد کنند.

البته اولین کاری که باید انجام شود، بسط الهیات ازدواج بر اساس متون مقدس است. و این ما را به سفر پیدایش، جایی که آدم آفریده شد، برمی‌گرداند. و روایت جالبی در آنجا وجود دارد.

و او حیوانات را نامگذاری می‌کند، و می‌دانید، آقا و خانم خرگوش، آقا و خانم فیل، آقا و خانم این و آن. و آدم به این نتیجه می‌رسد که هیچ همتایی برای او وجود ندارد. روایت به ما می‌گوید که چگونه خدا حوا را از خودش به او داد.

و بنابراین، این اولین زوج بود. ازدواج در کتاب مقدس، به ویژه در عهد عتیق، به عنوان خویشاوندی در نظر گرفته شده است. و در قوانین حقوقی نیز از این نظر مورد توجه قرار گرفته است.

کمی بعد این را در تثنیه خواهیم دید. وقتی کتاب مقدس می‌گوید دو نفر یکی می‌شوند، بدیهی است که منظورش معنای تحت‌اللفظی آن نیست، به این معنا که دو موجودیت فیزیکی به یک موجودیت فیزیکی تبدیل می‌شوند. بلکه استعاره‌ای برای مفهوم خویشاوندی است.

وقتی ازدواج می‌کنید، خویشاوند می‌شوید. و این جنبه از خویشاوند شدن نیز به اختلاط نطفه در موقعیت ازدواج گره خورده است. علاوه بر این، ازدواج به عنوان پاسخی به نیاز ایجاد شده برای روابط ارائه می‌شود.

به نظر من، روایت پیدایش نیز این را ارائه می‌دهد. آدم بدون حوا کامل نبود. خلقتی که خدا به ما بخشیده است، مستلزم مرد و زن، مرد و زن و شوهر است.

و در نتیجه، این به ما جنبه کاملی از انتظار خدا برای پر کردن زمین را می‌دهد. و این الگوی خلقت است. سوم، ازدواج به فرمان فرهنگی پیدایش مربوط می‌شود.

بارور و کثیر شدن، مطیع کردن زمین، مراقبت از زمین. ما اغلب در کتاب مقدس از دو فرمان صحبت می‌کنیم. یکی فرمان فرهنگی در پیدایش است که فرمان بزرگ‌تری برای بشریت است تا مسئول جهان خود باشد.

سپس به وظیفه تبلیغی می‌رسیم که در عهد عتیق وجود دارد، اما به ویژه در انتهای انجیل‌ها و ابتدای اعمال رسولان، جایی که عیسی شاگردانش را برای ساختن کلیسایش به جهان می‌فرستد، به آن اشاره شده است. بنابراین، وظیفه فرهنگی اغلب در پرتو وظیفه تبلیغی فراموش می‌شود. اما وجود دارد و بسیار مهم است.

و ازدواج بخشی از آن وظیفه فرهنگی است. چهارم، تقدس روابط جنسی به طور کامل در سراسر کتاب مقدس تصویر شده است. ضمناً، این صفحه ۹۹ از یادداشت‌های شما در بسته دهم یادداشت‌هایتان است.

بنابراین، تقدس روابط جنسی به طور کامل در سراسر کتاب مقدس تصویر شده است. آیات زیادی برای این موضوع وجود دارد. در حالی که رابطه جنسی مجاز منجر به تولید مثل می‌شود، ادعای اینکه این تنها دستاورد آن است، مضحک خواهد بود.

رابطه جنسی بخش عمده‌ای از رابطه بین زن و شوهر است و فرزندان نعمت و محصول آن رابطه هستند اما آنها تنها دلیل آن رابطه نیستند. فیتزمایر در تفسیر خود در مورد این موضوع صحبت می‌کند. اکنون، او یک محقق کاتولیک رومی است و نکات ظریف خاصی وجود دارد که در آنجا آشکار خواهد شد.

اما با این وجود، می‌توانید آن را ردیابی کنید. زمانی در تاریخ کلیسا وجود داشت که ایده تولید مثل به عنوان تنها هدف ازدواج در نظر گرفته می‌شد. من فکر می‌کنم این ممکن است تحت تأثیر منفی‌گرایی افلاطونی در مورد رابطه جنسی و زن و مرد بوده باشد.

پنجم، ارضای غرایز جنسی، که اغلب دستور کار پنهان زیر چتر تنهایی رابطه‌ای است، معیار اصلی تصمیم‌گیری نیست. فرهنگ فعلی ما دیوانه‌وار به سکس گرایش دارد و در نتیجه، بسیاری از اوقات، ازدواج بیشتر در مورد سکس و جذابیت فیزیکی افراد است تا هر چیز دیگری. در عین حال، میل جنسی یک مقوله خلق شده است و بخشی از وجود انسان برای همیشه و از نظر تاریخ این زمین است.

و بنابراین، ما باید غرایز جنسی را به عنوان یک چیز خوب در نظر بگیریم زیرا خداوند آن را اینگونه آفریده است، و بدیهی است که در تمام خلقت، نه تنها در عرصه انسان، بلکه حتی در قلمرو حیوانات نیز به تصویر کشیده شده است. ازدواج یک تصویر رابطه‌ای عمده ارائه می‌دهد که در سراسر کتاب مقدس مورد استفاده قرار می‌گیرد. یهوه همسر اسرائیل می‌شود، و اسرائیل، به اصطلاح، یک شوهر است، و ما این را در قوانین خانواده، هم در عهد عتیق و هم در عهد جدید داریم.

این یک دسته بندی اصلی از بشریت است. منظوری این است که چه چیز دیگری وجود دارد؟ مرد، زن. کل تاریخ خلقت، تولید مثل و غیره وجود دارد.

اما البته، هبوط، که در کتاب پیدایش نیز ثبت شده است، به ما می‌گوید که کل این حوزه چقدر تحریف شده است. حال، مروری بر متون. من تمام این متون را اینجا برای شما آورده‌ام و بدیهی است که قصد ندارم آنها را بررسی کنم.

اما من متون بسیار متنوعی را که در مورد ازدواج وجود دارد، برای شما فهرست کرده‌ام. سعی کرده‌ام همه آنها را پیدا کنم. ممکن است برخی را از قلم انداخته باشم، اما اینها دسته‌های اصلی هستند

در تثنیه ۲۴، من لحظه‌ای نظر می‌دهم و ممکن است این را برای شما بخوانم زیرا متنی است که در عهد اگر مردی با NIV 2011، جدید آمده است که کمی بعد آن را خواهیم دید. اما در تثنیه ۲۴، و آیات ۱ تا ۴ زنی ازدواج کند که از او خوشش نیاید، این نوعی قانون رویه‌ای است زیرا او چیزی ناپسند در مورد او می‌یابد و برای او گواهی طلاق می‌نویسد. این موسی است که اسرائیل را در بیابان و تمام مسائل انسانی که این مرد بیچاره باید مدیریت می‌کرد، مدیریت می‌کند.

این می‌توانست یک مورد مهم باشد. او آن را به او می‌دهد و از خانه‌اش برایش می‌فرستد. و اگر پس از رفتن او از خانه‌اش، او همسر مرد دیگری شود و شوهر دومش از او بیزار باشد و برایش طلاق‌نامه بنویسد، آن را به او بدهد و او را از خانه‌اش بفرستد، یا اگر بمیرد، شوهر اولش که او را طلاق داده است، پس از نجس شدن آن زن، اجازه ندارد دوباره با او ازدواج کند.

این کار در نظر خداوند منفور خواهد بود. اگر در زمین گناه کنید، خداوند، خدایتان، آن را به شما به ارث می‌دهد. خب، این موضوع چیست؟ ربطی به طلاق‌نامه ندارد.

این هم یک دسته‌بندی کامل دیگر است که سازشی بود که موسی در رابطه با کنترل جامعه و مقابله با این مشکلات به کار برد. این یک حکم الهی نبود. اگر بخواهید، این یک حق نیست.

اما این یک امتیاز فرهنگی بود. چیزی که این متن واقعاً در مورد آن است این است که چرا او نمی‌تواند به شوهر اولش برگردد. و پاسخ این سوال در کل این ماجرای خویشاوندی نهفته است. انجام این کار به معنای زنای با محارم خواهد بود زیرا در دسته زنای با محارم طبقه‌بندی می‌شود زیرا او آن مرد را می‌شناسد، سپس مرد دیگری را می‌شناسد و پس از آن نمی‌تواند به مرد اول برگردد.

شما خواهید گفت، خب، من معنی این را نمی‌فهمم. نه، این پی‌ریخت است. این یک رویه قضایی است، و این روشی است که خداوند از طریق آن از تمامیت ازدواج در رابطه با رابطه جنسی، اختلاط مایع منی و مسئله خویشاوندی ازدواج محافظت کرده است.

و بنابراین، بیشتر در مورد محافظت از آن است تا نوعی لایحه طلاق. لایحه طلاق یک فرمان الهی نبود بلکه امتیازی بود که موسی در رابطه با قضاوت در مورد مسائل جامعه از آن استفاده کرد. حال، کمی بعدتر وقتی در مورد متی صحبت می‌کنیم، به این موضوع برمی‌گردیم.

همانطور که در یادداشت‌هایم در صفحه ۱۰۰ گفته‌ام، این متن در واقع بر رویه قضایی برای ازدواج مجدد متمرکز است. آیات، طلاق را قانونی نمی‌کنند، بلکه آن را به عنوان یک عمل شناخته شده در نظر می‌گیرند. با این حال، در هیچ کجای متون رسمی، حداقل پنج پیشنهاد در مورد چگونگی درک تثنیه ۲۴ ارائه نشده است.

و من قصد ندارم همه این موارد را با شما بررسی کنم، اما آنها را در اینجا فهرست کرده‌ام. برخی از آنها دارای ارزش هستند. دیدگاه‌هایی که ارزش دارند باید بر اساس تفسیر تثنیه ارزش داشته باشند، نه بر اساس سیستم‌های الهیاتی تحمیلی، که اغلب اتفاق می‌افتد.

گاهی اوقات، ترکیبی وجود دارد که در آن هم متکلمان یک دیدگاه را ارائه می‌دهند و هم محققان واجد شرایط عهد عتیق. اما شما باید در مورد معنای متن با محقق واجد شرایط عهد عتیق همراه شوید. شما نمی‌توانید فقط از متن برای پشتیبانی از یک سیستم سیستماتیک استفاده کنید.

این تقریباً همیشه انجام می‌شود، و ما سابقه‌ی زیادی در این زمینه داریم، اما باید بسیار مراقب باشیم. اول کتاب مقدس، دوم الهیات سیستماتیک، و باید در رابطه با تناسب آن با الهیات کتاب مقدس اعتبارسنجی شود. حال، در یادداشت‌های من، و ممکن است در یادداشت‌های شما نیز باشد، مشکلی در تورفتگی و غیره وجود دارد. در این پاراگراف بعد از 2.

اما می‌خواهم این پاراگراف را بخوانم. پیوند ازدواج، یعنی یک تن بودن، با ازدواج دوم از بین نمی‌رود. این در تثنیه واضح است.

ازدواج دوم پیوند ازدواج اول را از بین نمی‌برد. این پیوند برای همیشه پابرجاست. اما در سازمان مدنی که ما اینجا با موسی داریم، دیگر ازدواج محسوب نمی‌شود.

اما به دلیل مسئله خویشاوندی، بخشی از آن آنجاست، بنابراین نمی‌توانید به آن برگردید. همسر اول به عنوان یکی از بستگان نزدیک محسوب می‌شود و آن رابطه غیرقابل حل است. ممنوعیت ازدواج مجدد در اینجا، ممنوعیت واقعی تثنیه ۲۴ در مورد ازدواج مجدد است، حتی اگر شوهر دوم مرده باشد، که معمولاً واقعیتی است که باعث انحلال می‌شود، همانطور که در رومیان ۷ در مورد آن صحبت می‌شود.

مثل این است که با خواهرت ازدواج کنی و بنابراین به عنوان زنای با محارم تلقی می‌شود. بنابراین، این یک جنبه قانونی است که بخشی از جامعه کنترل‌کننده خدا بوده است. ما همه چیزهایی را که ممکن است دوست داشته باشیم در مورد آن بدانیم نمی‌دانیم، اما واقعیت آن و آنچه را که باید انجام دهیم می‌دانیم.

عزرا ۹ و ۱۰، اسرائیل و ازدواج‌های بین قومی. این یک ویژگی تاریخی در رابطه با هدایت و محافظت از نسلی است که بخشی از نسل رستگاری بخش خدا بود. بنابراین، هیچ ازدواج بین قومی در این امر دخیل نبود.

شما نمی‌توانید از عزرا به عنوان مدرکی دال بر عدم وجود هرگونه ازدواج بین نژادی یا بین نژادی استفاده کنید. این برداشت دیگری از خارج کردن این موضوع از متن است، که مربوط به اسرائیل و نسل مسیحایی است. ملاکی ۲، تصاویر اسرائیل به عنوان یک همسر بی‌وفا، و خدا از طلاق متنفر است.

می‌بینی، من دارم در مورد کلمه دنده صحبت می‌کنم، که واقعاً نادر است. این یک کلمه عبری است که به معنای دعوی حقوقی است. اگر کتاب هوشع را بخوانید، واقعاً می‌توانید این الگوی ربو را درک کنید. خدا علیه همسرش، یعنی اسرائیل، دعوی حقوقی دارد و او قصد دارد آن را پیگیری کند.

بنابراین، او از چیزی از زندگی واقعی به عنوان تشبیهی برای زندگی بین یهوه و قومش استفاده می‌کند. سپس شما جمله‌ای از مرقس و لوقا دارید که یک جمله مطلق است، مبنی بر اینکه هیچ دلیلی برای طلاق وجود ندارد و هیچ ازدواج مجددی وجود ندارد. طبق گفته‌های مرقس و لوقا، ما آن را ایده‌آلیستی می‌نامیم، من می‌خواهم از این کلمه استفاده کنم.

آنها یک بیانیه ایده‌آلیستی ارائه می‌دهند، و در روایت مرقس و لوقا، عیسی به خلقت برمی‌گردد و می‌گوید که از ابتدا چنین نبوده است. در ابتدا، یک محیط مطلق وجود داشت، اگرچه متن زیادی برای باز کردن همه آن وجود ندارد. عیسی برمی‌گردد و می‌گوید که در ابتدا اینگونه بوده است، اکنون نیز اینگونه است، و این پایان بحث است.

شاگردان کاملاً شوکه شده بودند، آنها نمی‌توانستند درک کنند که چطور عیسی می‌تواند اینقدر محدودکننده باشد. در واقع، آنها می‌گویند اگر چنین باشد، بهتر است یک مرد هرگز ازدواج نکند. بنابراین، می‌توانیم ببینیم که این یک تعبیر بسیار بسیار سختگیرانه است که عیسی ارائه می‌دهد.

با این حال، متیو به عنوان بندهای استثنا شناخته شده است، به جز مثلاً پورنوگرافی، که کلمه‌ای برای زنا یا هر گناه جنسی است. و اینها به نوعی به رکن اصلی دیدگاه اولیه آمریکایی‌ها، به ویژه، در مورد طلاق تبدیل شده‌اند، مبنی بر اینکه شما نمی‌توانید طلاق بگیرید مگر اینکه مرگ، ترک یا بی‌اخلاقی جنسی از طرف یکی از طرفین وجود داشته باشد. سپس این دلیلی برای طلاق بود، و به خودی خود می‌گفت اگر دلیلی برای طلاق باشد، باید دلیلی برای ازدواج مجدد نیز باشد.

و این نحوه عملکرد جامعه‌ی مسیحی برای صدها سال بوده است. و تا دوران مدرن، که طلاق بسیار سهل‌انگارانه و رایج شده است، مردم تقریباً هیچ یک از این موارد را نادیده می‌گرفتند. نظر عیسی درباره‌ی موسی و تثنیه در تثنیه ۲۴.

ممکن است اینجا دو صفحه وجود داشته باشد، اما پایین صفحه ۱۰۰ و بالای صفحه ۱۰۱ باید با هم باشند. طبق پیدایش ۲:۲۴، نهاد ازدواج ایده‌آل است. یک مرد، یک زن برای تمام عمر.

این مفهوم ضمنی است. مستقیم نیست؛ بلکه مستقیم است. شما زن و مرد را به عنوان زوجی دارید که ازدواج را تشکیل می‌دهند و قرار است تولید مثل کنند و غیره.

اما مسئله ایده‌آل بودن آن برای زندگی به دلیل آموزه‌های بعدی مطرح می‌شود. در تثنیه ۲۴، مسئله طلاق یک امتیاز فرهنگی است. خدا آنچه را که اتفاق می‌افتد تنظیم می‌کند.

او در تثنیه ۲۴ طلاق را برقرار نمی‌کند، بلکه آنچه را که در حال وقوع است بدون تغییر فرهنگ در آن برهه کنترل می‌کند. سپس متی با فصل‌های ۵ و ۱۹ در متی روبرو می‌شود که در آنها دو بند استثنا داریم. و شما باید این کار را انجام دهید، و کمی بعد به آن خواهیم پرداخت.

اما چیزی که می‌خواهم ببینید این است: اگر متی را ایده‌آل در نظر بگیرید و دیدگاهی غیر از دیدگاه معمول داشته باشید، آن را برای شما توضیح می‌دهم. آنگاه، شما در تمام طول کتاب مقدس یک آموزه ثابت خواهید داشت که برای تمام عمر، یک مرد و یک زن وجود دارد.

اینکه فقط مرگ دلیل ازدواج مجدد است و چیزهای دیگر دلیلی برای طلاق نیستند. هر چقدر هم که سخت به نظر برسد، کتاب مقدس ایده‌آل را آموزش می‌دهد. با کمتر از ایده‌آل چه می‌کنید؟ خب، با آن مثل هر گناه دیگری رفتار می‌کنید.

چون در نهایت، طلاق یک گناه است. طلاق فروپاشی روابط انسانی است. خدا ما را برای این خلق نکرده است.

شما می‌توانید تمام دلایل و بهانه‌ها و حتی مشکلات سوءاستفاده و گناه جنسی و الگوهای از این قبیل اتفاقات را داشته باشید. این نقض ایده‌آل است. این یک واقعیت در فرهنگ ماست و من به نحوه نگاه من به این موضوع و نحوه برخورد شما با آن برمی‌گردم.

اما واقعیت این است که به دلیل سقوط و به دلیل اینکه ما یک جامعه انباشته از گناه داریم، امور آنطور که خدا می‌خواست، آنطور که او آنها را برای کار آماده کرده بود، پیش نمی‌روند. و در نتیجه، ما با دنیایی شکسته روبرو هستیم.

ما هر روز با گناه سر و کار داریم. مردم گناه می‌کنند، به گناه خود اعتراف می‌کنند، بخشش دریافت می‌کنند و به رستگاری می‌رسند. با این حال، فکر می‌کنم کتاب مقدس الگویی از رستگاری دارد که جالب است و ما زیاد به جزئیات آن نمی‌پردازیم.

برای مثال، با توجه به نقش‌های رهبری در کلیساها و جاهای دیگر، پس از ارتکاب برخی گناهان جنسی، این نقش‌ها برای همیشه باقی می‌مانند. در نتیجه، ممکن است در جامعه خود به رفاقت با خدا بازگردید، اما لزوماً به نقش‌های رهبری دست نخواهید یافت. و بنابراین، ما پیدایش، تثبیت و انجیل‌ها، به ویژه متی، را به عنوان روایت بزرگ این مسئله طلاق داریم.

رومیان ۷ به ما می‌گوید که مرگ همسر، مشروعیت ازدواج مجدد است. بنابراین، مرگ، ازدواج را منحل می‌کند. در تثبیت این اتفاق نیفتاد.

چرا؟ چون آن زن هنوز مشکل خویشاوندی داشت. بنابراین، این متن از این نظر خاص است. اما رومیان کاملاً روشن می‌کنند که مرگ، ازدواج را منحل می‌کند.

سپس، اول قرن‌تین ۷ را داریم که در آن به چندین روش مختلف درباره مسائل بحث می‌کنیم. نکته بعدی، و در کجای طرح کلی من قرار دارد. تقریباً ۲۵۰ صفحه وجود دارد C من مطمئن نیستم که

من در طرح کلی مشکلات زیادی ندارم، اما چند تا. و یک مشکل هم هست، اما قرار نیست نگرانش باشیم. نگاه می‌کنیم. مروری بر تاریخچه تفسیر D فقط به مورد.

کتابی هست که در فهرست منابع است. در انتهای این بخش، در یادداشت‌های شماره ۱۰، صفحات زیادی از فهرست منابع در مورد ازدواج و طلاق وجود دارد که می‌توانید در آنها جستجو کنید. و مطالبی که به آنها اشاره می‌کنم، در آنجا خواهد بود.

کتاب «عیسی در باب طلاق» نوشته‌ی هت و ونهام، به گمانم در دهه‌ی ۸۰ میلادی منتشر شد. این کتاب سهم بزرگی در گردآوری اطلاعات تاریخی از دوران اولیه تا پدران کلیسا و تا دوران مدرن دارد. اما در نقطه‌ی خاصی از کتاب مقدس در باب طلاق متوقف می‌شود.

خب، هت و ونهام به خود ازدواج مجدد نپرداختند. آنها در این مورد کوتاهی کردند. آنها به شما نگفتند. حالا شما چه کار می‌کنید؟ اما آنها از بسیاری جهات در طرح دیدگاه‌ها بهترین کار را انجام دادند.

از آن زمان تاکنون چند دیدگاه مطرح شده است. اما روی هم رفته، باید با هت و ونهام شروع کنید. این کتابی است که احتمالاً دیگر چاپ نمی‌شود.

نمی‌دانم آن کتاب در جاهایی مثل لاگوس هست یا نه، اما اگر قرار است روی این موضوع کار کنید، باید آن جلد را پیدا کنید. این یک قطعه‌ی فوق‌العاده مهم است. و یادداشت‌های من به آن بستگی دارد.

من این طرح کلی را خیلی دنبال می‌کنم چون راحت است. بنابراین، مرور کلی زیر تلاش می‌کند تا دانشجو را با نحوه سازماندهی تمام این داده‌ها در مورد طلاق در کتاب مقدس توسط مفسران مختلف آشنا کند. تمرکز تحلیل با متی به پایان می‌رسد.

چون اگر متیو را نداشتیم، هیچ گفتگویی نداشتیم. دیدگاهی که در نهایت مطرح می‌کنم این است که متیو با یک زیرموضوع خاص در جامعه خود سروکار دارد. و اینکه استثنای متیو، استثنایی در راستای گناه جنسی نیست، بلکه استثنایی است که می‌توان آن را به روش‌های دیگری توضیح داد.

بنابراین، این با مرقس و لوقا و هر چیز دیگری مطابقت دارد. اینکه عیسی هرگز چیزی جز ایده‌آل را تعلیم نداد. یک مرد، یک زن برای زندگی تا زمان مرگ، سهم خود را انجام دهید، بدون استثنا.

این روایت متا-روایت کتاب مقدس است. حالا، مواضع اصلی. اجازه دهید یک مرور کلی و جریانی از مواضع را به شما ارائه دهم.

این کاری است که هت و ونهام انجام می‌دهند. و تا تاریخ انتشارشان، حداقل انتشارات قبل از آن تاریخ‌ها انجام شده‌اند، بنابراین ممکن است یک یا دو سال طول بکشد. این کتاب به خوبی ادبیات موضوع را پوشش می‌دهد.

و این یک ابزار ضروری در این بحث است. من قصد ندارم به این موضوع بپردازم. احتمالاً در کتابشناسی من این ابزار وجود دارد.

اما هت، بیل هت، که در دانشگاه تیلور تدریس می‌کند و یک محقق مسیحی برجسته است، پس از نوشتن این کتاب نظرش را تغییر داد. او چیزی را که در کتاب به عنوان دیدگاه کلیسای اولیه شناخته می‌شود، اتخاذ می‌کند. او و ونهام، که محققان انگلیسی هستند، این کتاب را با هم نوشتند.

این یک پایان‌نامه برای هت بود که با مشارکت ونهام به کتاب تبدیل شد. اما بعداً، هت نظرش را عوض می‌کند. باید عمیق‌تر شوید تا بفهمید چرا او این کار را کرده است.

اما در زمان نگارش کتاب، یادداشت‌های من نمایانگر محتوای آن هستند. بسیار خوب. تعریف دیدگاه کلیسای اولیه.

تعریف هت و ونهام از این قرار است. پیوند ازدواج، دو طرف را تا زمان مرگ یکی از آنها متحد می‌کند. وقتی یکی از طرفین مرتکب بی‌عفتی می‌شود، که معمولاً به معنای زنا تلقی می‌شود، از طرف دیگر انتظار می‌رفت که از هم جدا شوند.

و این چیزی است که در کلیسای اولیه رواج داشت. به همین دلیل است که به آن دیدگاه کلیسای اولیه می‌گویند. اما حق ازدواج مجدد نداشت.

بنابراین، طلاق بود. آنها استثنائات متی را گناه جنسی دانستند. و این اجازه طلاق را می‌داد، اما اجازه ازدواج مجدد را نمی‌داد.

قرار نبود به آن سمت سوق داده شود. این موضوع همچنین توسط دیدگاه کلیسای اولیه در رابطه با احتمال ترک خدمت که اول قرن‌تینان ۷:۱۵ در مورد آن صحبت می‌کند، ادعا می‌شود. بنابراین، دو چیز در جریان است.

آیا زمینه‌ای برای طلاق وجود دارد؟ و آیا زمینه‌ای برای ازدواج مجدد وجود دارد؟ و ازدواج مجدد موضوعی کاملاً جداگانه است که از متن طلاق ناشی می‌شود. اما ابتدا باید به متن طلاق نگاهی بیندازیم. این دیدگاه معمولاً پورنوگرافی را به عنوان بی‌عفتی در نقض پیوند زناشویی درک می‌کند.

بنابراین، طبق دیدگاه کلیسای اولیه، زمینه برای طلاق وجود دارد، اما ازدواج مجدد مجاز نیست. و این امر عملی هم بوده است. می‌توانید به اسناد تاریخی مراجعه کنید.

با افرادی که طلاق می‌گرفتند تقریباً مانند شهروندان مسیحی درجه دو رفتار می‌شد. آنها حتی گاهی در جلسات کلیسا، در مکان‌های خاصی برای نشستن و غیره منزوی می‌شدند. و این چیز خوبی نبود.

آن فرهنگ به این موضوع لبخند نمی‌زد، آن را نادیده نمی‌گرفت یا مانند فرهنگ‌های فعلی ما به آن چشمک نمی‌زد. بنابراین، زمینه برای طلاق وجود دارد اما ازدواج مجدد مجاز نیست. این موضع کلیسای اولیه است.

حالا، توضیح بیشتر. خوب، شواهد در پدران اولیه وجود دارد، و شما می‌توانید تا ابد به نقل قول از آنها برای حمایت از موضع کلیسای اولیه ادامه دهید. من لیستی از آنها را در اینجا به شما ارائه داده‌ام.

این فقط یک فهرست نمونه از مواردی است که هت و ونهام به آنها استناد می‌کنند. و اگر هت و ونهام را ندارید، می‌توانید به این منابع مراجعه کنید و پدران اولیه کلیسا را پیدا کنید. از همان دوران اولیه، این ایده را تأیید می‌کردند که طلاق، اما ازدواج مجدد نه.

طلاق فقط به دلیل گناه جنسی و ترک همسر بود. خوب، این دیدگاه کلیسای اولیه است. خیلی سراسر است.

و سرسختانه به آن پایبند بودند. و در آن صدها و صدها سال، احتمالاً ۱۳ تا ۱۴۰۰ سال، این دیدگاه غالب ارتدکس بود تا زمان اراسموس، که قرار است نسخه بعدی را برای ما به ارمغان بیاورد.

دیدگاه اراسموس. جان موری، که عضوی از حوزه علمیه وست‌مینستر، پریستون و حوزه علمیه وست‌مینستر بود، در این مورد کتابی دارد و احتمالاً می‌توانم بگویم که او بهترین خلاصه پیوسته از دیدگاه اراسموس است. افراد دیگری هم هستند که این را ارائه می‌دهند.

مطالب زیادی در این مورد در کتابشناسی من وجود دارد. مقالات ژورنالی صدها صفحه‌ای نیز وجود دارند. که این موضوع را پوشش می‌دهند. تعریف دیدگاه اراسموسی.

ما آن را اراسموسی می‌نامیم زیرا اراسموس، یک محقق انسان‌دوست کاتولیک رومی، از دیدگاه کلیسای اولیه و سختگیری کلیسای روم در این حوزه خسته شد. و او آن را به چالش کشید و ما آن را دیدگاه اراسموسی می‌نامیم. اراسموس می‌گوید که خیانت جنسی، یعنی متی ۵ و ۱۹، و ترک همسر، زمینه طلاق را فراهم می‌کند.

خوب، این هنوز کلیسای اولیه است. اما نکته‌ی ظریف اینجاست. و حق ازدواج مجدد تلویحاً ذکر شده است.

بنابراین، او این را برداشت می‌کند که حق ازدواج مجدد، از لوازم تعلیم و تربیت است. کلیسای کاتولیک روم این را نمی‌پذیرفت. اما او در این دوران رنسانس بشردوستانه که اراسموس در آن فعالیت می‌کرد، سنت‌ها و موقعیت خود را به چالش می‌کشید.

او از بسیاری از گرایش‌های رومی‌ها خوشش نمی‌آمد. و در نتیجه، با آنها اختلاف نظر داشت، هرچند که به دلایلی که من می‌دانم، نه تکفیر شد و نه کشته شد. بنابراین تعریفش همین است.

شرح و بسط چیست؟ خب، این هم از صفحه ۱۰۳. دیدگاه کلیسای اولیه تا قرن شانزدهم میلادی رواج داشت. یک استثنا امبرویاستر است که در قرن چهارم می‌نوشت و هت و ونهام به آن استناد می‌کنند.

و مطمئنم همانطور که می‌توانید تصور کنید، افراد دیگری هم هستند. اما در تاریخ کلیسا، اکثریت به نوعی پیروز میدان هستند. و اکثریت قطعاً با کلیسای اولیه بودند.

اما اراسموس، که از سال ۱۴۶۶ تا ۱۵۳۶ حکومت کرد، اوضاع را دگرگون کرد. اراسموس، همانطور که در صفحه ۱۰۳ برایتان توضیح دادم، یک انسان‌گرای روشنفکر و عمل‌گرای مسیحی بود که به بیزاری از اقتدارگرایی کاتولیک رومی نیز شهرت داشت. و این را می‌توانید به راحتی در خواندن درباره اراسموس متوجه شوید.

او در پی تلفیق قانون شرع، که می‌توانست دیدگاه اولیه کلیسا در این زمینه باشد، و اصول عصر روشنگری بود، که در آن دیدگاه غالب مبنی بر عدم طلاق یا ازدواج مجدد را ظالمانه می‌دانست و بر این اساس، قصد اصلاح آن را داشت. از این رهگذر، او دو اصل تفسیری جدید برای مشکلات جدی ازدواج وضع کرد. اولاً، فسخ برخی از ازدواج‌ها باید مجاز باشد، نه به طور اتفاقی، که امروزه اتفاق می‌افتد، بلکه به دلایل بسیار جدی، توسط مقامات کلیسایی یا قضات شناخته شده.

بنابراین، باید راهی برای فسخ رابطه وجود داشته باشد. دوم، دادن آزادی به طرف بی‌گناه برای ازدواج مجدد برای اراسموس از اهمیت بالایی برخوردار است. به طور خلاصه، او نیکوکاری را مهم‌تر از قانون شرع، یعنی قانون شرع روم، می‌دانست و تلاش می‌کرد تا این موضوع را از رفتار مهربانانه خداوند با بشر در سایر حوزه‌ها استدلال کند.

اراسموس شناخته می‌شود. جی. بارتون پین، یک محقق انجیلی که فوت کرده است، در واقع، فکر می‌کنم این ممکن است پایان‌نامه او بوده باشد، اما او یک کتاب مهم در مورد اراسموس دارد. او مشاهده کرد، نقل قول می‌کنم، اراسموس خود را نه تنها به عنوان یک مورخ، بلکه به عنوان یک نسبی‌گرای اخلاقی و زمینه‌گرا نیز آشکار می‌کند که فکر می‌کند عشق، که جوهر قانون طبیعت و قانون کتاب مقدس است، تنها راهنمای نهایی برای رفتار انسان است، نه قوانین مشروط به تاریخ بشر.

بنابراین، او در تضاد شدیدی با سنت‌های رومی خود بود. اصلاح‌طلبان پروتستان در واقع از اراسموس الهام گرفتند و به نظر می‌رسد تفسیر آنها از متن طلاق، از تفکر اراسموس پیروی می‌کند. با توجه به موقعیت تاریخی، بررسی این دوره به صورت جداگانه، که به معنای یک موقعیت در زندگی است، مهم است.

اواسط دهه ۱۵۰۰ چگونه بود؟ کشمکش با کلیسای کاتولیک روم، دیدگاه‌های اراسموس را که به عنوان یک پسر شیطان در کلیسا ماند، و همچنین لوتر را که از کلیسا جدا شد، و همچنین بسیاری دیگر از رهبران بزرگ اصلاح‌طلب که به نحوی با کلیسای روم در ارتباط بودند، اما اکنون در مسیرهای جدیدی رهبری می‌کردند، شکل داد. در شورای ترنت در سال ۱۵۶۳، این اتفاق پس از مرگ اراسموس رخ داد. دیدگاه‌های اصلاح‌طلبان، که منعکس‌کننده دیدگاه‌های اراسموس ۵۰ سال قبل بود، توسط کلیسای روم محکوم شد، اما این امر آنها را از بین نبرد. اصلاحات، دیدگاه‌های اراسموس را مطرح کرد و به ویژه ازدواج مجدد و تا حدی توجیه طلاق را مطرح کرد، زیرا اراسموس فراتر از رابطه جنسی و ترک همسر به مقوله‌های دیگری نیز پرداخت.

لوتر پی اخلاقی و ترک همسر را به عنوان دلیل پذیرفت و ازدواج مجدد را مجاز دانست. کالوین هم، من اینجا نگاه کنید، سنت کالوین در اعتراف نامه وست مینستر وجود E اطلاعات زیادی در مورد کالوین ندارم، اما به 4 دارد. جان میلتنون از دهه 1600 اثر خود را با عنوان «آموزه و انضباط طلاق» منتشر کرد.

در سال ۱۶۴۳. یک ماه پس از تشکیل مجمع وست مینستر، اظهارات او در مورد اصلاحات اساسی و به دور از دیدگاه‌های سختگیرانه بود. همانطور که اراسموس در پی تلفیق رومی‌گرایی با عصر روشنگری بود، میلتنون در پی تلفیق اصلاحات با اومانیسیم بود.

با این حال، این مجمع به الهیات کالوین-بزا که بسیار اراسمی بود، پایبند ماند. حال، شما باید در این مورد تحقیق کنید تا اطلاعات بیشتری در مورد چگونگی ارتباط اراسموس با این موضوع به دست آورید. من کمی در مورد چگونگی توسعه آن از اراسموس به اصلاح طلبان و سپس، خارج از کالوینیسیم، به عنوان مثال در ایالات متحده، در قالب چهاربعدی، به شما خواهیم گفت.

این فصل چهارم از کتاب «هت و وینوم» است. بنابراین، یک بار دیگر، اگر بتوانید آن جلد را تهیه کنید می‌توانید بسط خوبی از این طرح کلی که به شما می‌دهم، داشته باشید. هت و وینوم سه گونه‌ی اصلی را مورد بحث قرار می‌دهند.

زنا و ترک همسر، زمینه‌ساز طلاق و در نتیجه، ازدواج مجدد هستند. این موضع جان موری است که از ۱. چهره‌های اصلی کالوینیسیت در تاریخ نه چندان دور، از پرینستون تا حوزه علمیه وست مینستر، و بنابراین عامل مهمی است. و اتفاقاً، دیدگاه‌های جان موری و موری در مورد اخلاق و طلاق، از نظر سنت‌های باپتیست و سنت‌های کلیسای کتاب مقدس در آمریکا، از اهمیت بالایی برخوردار است.

بیشتر سنت‌های پروتستان، و البته باپتیست‌ها و کلیسای انجیلی، خود را پروتستان نمی‌دانند، اما بخش عمده‌ای از سنت پروتستان در آمریکا، دیدگاه اراسموسی است. و این دیدگاه توسط اصلاح طلبان اصلاح ارائه شد، بنابراین فارغ از اینکه از چه گرایش الهیاتی باشند، این دیدگاه اراسموسی اساساً همان چیزی است که اکثر ما با آن بزرگ شده‌ایم. در هر کلیسایی که بودیم، من در کلیسا بزرگ نشدم، بعداً در زندگی‌ام نجات یافتم، اما واقعیت این است که این یک دیدگاه غالب است.

ه. پورنوآ طیف وسیعی از گناهان را در نظر می‌گیرد، بنابراین زمینه‌ها می‌توانند گسترش یابند و این می‌تواند ۲، به انواع و اقسام مسیرها برود. بنابراین، می‌توانید ببینید که پوسته اساسی ترک گناه جنسی از طریق مفاهیم احتمالاً مفاهیم الهیات کتاب مقدسی خوب، در حال گسترش است، و اینجاست که باید در مورد اینکه تا چه حد می‌توانید با این موضوع پیش بروید، تصمیم بگیرید.

و سپس ۳. ویرایش متاپی بندهای استثنا را معرفی کرد که در اصل متعلق به عیسی نبودند، و بدین ترتیب یک تحول عملی در کلیسا را نشان می‌دهد. به عبارت دیگر، انواع دیگری نیز وجود دارد، اما همیشه به متی برمی‌گردد زیرا بدون متی، هیچ مکالمه‌ای وجود ندارد و هیچ مسئله‌ای هم وجود ندارد. متی تنها کسی است که از نظر زمینه‌های طلاق و بنابراین ازدواج مجدد، شکافی در زره ایجاد می‌کند.

بنابراین، این یک ساختار خلاقانه بزرگ است، اما از جنبه‌های مختلف بسیار ضمنی است. مسائل دیگر در مورد متن. یک مسئله کلیدی در سنت اراسموسی، توجیه طرف بی‌گناه برای ازدواج مجدد است.

حالا، من در مورد شما نمی‌دانم؛ من احتمالاً نسلی فراتر از اکثر شما هستم که به این سخنرانی‌ها گوش می‌دهید، و خدمت من، برای انتصاب، از ۶۷ سالگی تا به امروز ادامه داشته است، بنابراین من ۵۰ سال در

خدمت مسیحی بوده‌ام. و به جز احتمالاً ۱۰ تا ۱۵ سال آخر آن سال‌ها، شاید ۲۰ سال، این نوع اراسموسی در محافل مسیحی، حتی محافل مسیحی محافظه‌کار، فرض بر این بود. به دلیل طلاق، زمانی که من در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ کشیش بودم، زمانی که بیشتر در مدرسه کشیشی می‌کردم، برخی در مدرسه نبودند، اکثر اساسنامه‌های کلیسا این مسئله طلاق را مطرح کردند و دقیقاً همانطور که اراسموس مطرح کرد، آن را مطرح کردند و به عنوان جان موری، جان موری یک قهرمان بزرگ بود، صرف نظر از اینکه حتی می‌دانستند از کجا آمده است، آن را به این شکل مطرح کردند.

و هیچ بحثی در مورد آن وجود نداشت. برای اینکه مثالی برایتان بزنم، من کشیش یک کلیسای روستایی با حدود چند صد نفر جمعیت بودم و هیئت مدیره کلیسا اساسنامه کلیسا را تدوین کرده بود که در آن بیانیه‌ای در مورد طلاق وجود داشت. وقتی آنها آن بیانیه را نوشتند، تقریباً هیچ کس در آن کلیسا مطلقه نبود.

خب، دهه‌ها گذشت و این اعضای هیئت مدیره پیرتر شدند. من با بعضی از فرزندان‌شان ازدواج کردم و در نهایت بعضی از آن بچه‌ها از این اعضای هیئت مدیره طلاق گرفتند. آنها خیلی ناراحت بودند چون حالا درگیر یک تنش خانوادگی در مورد اینکه بعد از طلاق با فرزندان‌شان چه کنند، بودند. و بنابراین، یک روز در جلسه هیئت مدیره، به من گفتند، ما می‌خواهیم شما اساسنامه ما را در مورد این موضوع طلاق و ازدواج مجدد بازنویسی کنید.

و من به آنها گفتم که این کار را نخواهم کرد، که به آنها کمک خواهم کرد تا این کار را انجام دهند. می‌دانید. کشیش‌ها عمر کوتاهی دارند. کلیساها همچنان پابرجا هستند.

بنابراین به آنها کمک کردم تا بفهمند کجا هستند، کجا بوده‌اند و به کجا خواهند رفت. راستش را بخواهید نتیجه‌ی آن را به خاطر نمی‌آورم. من فقط دو یا سه سال آنجا بودم چون در مدرسه درس می‌خواندم و بعد به شغل معلمی روی آوردم.

و بنابراین، در نتیجه، دقیقاً به یاد نمی‌آورم که چطور همه این کارها را تمام کردند. اما حداقل می‌خواستم که آنها این تصمیم را بگیرند و با آن مبارزه کنند، زیرا در نهایت، این کلیسای آنها بود. و این کمی شوکه کننده بود.

اما انجام این کار برایشان خوب بود. خب، اظهارات جان میلتون برای روحانیون وست‌مینستر کاملاً رادیکال بود. اصلاحات رادیکال به دور از دیدگاه‌های سختگیرانه.

همانطور که اراسموس در پی تلفیق رومی‌گرایی با عصر روشنگری بود، میلتون در پی تلفیق اصلاحات مذهبی با اومانیسیم بود. با این حال، مجمع به الهیات کالوین-بزا پایبند ماند. اکنون، ما در مورد توسعه مدرن دیدگاه اراسموس صحبت کردیم.

و احتمالاً بسیاری از شما این را به عنوان موضع اصلاح‌شده و تجدیدنظرشده اراسموسی فرض کرده‌اید. و سپس در میان استرس‌ها و تنش‌های جامعه مدرن گسترش یافته است. یک مسئله کلیدی در سنت اراسموسی، توجیه طرف بی‌گناه برای ازدواج مجدد است.

دوباره از هت و ونهام نقل قول می‌کنم: دو ستون وجود دارد که روبنای دیدگاه اراسموسی امروزی را پشتیبانی می‌کند. این دیدگاه مربوط به دهه ۱۹۸۰ است. اولین ستون، این باور است که طلاق که عیسی از آن صحبت کرد، همان طلاق موزاییکی و سرخورده در تثنیه ۲۴ بود.

البته این یک فرض بود. می‌بینید که آنها در این زمینه از تنبیه ۲۴ سوءاستفاده می‌کنند. و دومی این درک است که بند استثنا، کل پروتئوس را واجد شرایط می‌کند.

این جمله‌ی آغازین است. این مربوط به بندهای «اگر» در متی ۱۹: ۹ است. هر که زن خود را طلاق دهد و با دیگری ازدواج کند، در نتیجه هم طلاق و هم ازدواج مجدد را مجاز می‌داند. بنابراین، یک تفسیر در زبان وجود داشت که برای توجیه ازدواج مجدد استفاده می‌شد.

ازدواج گروه بی‌گناه. گروه بی‌گناه. به عالمه در دسر داره.

در مورد بی‌عفتی. به نظر می‌رسد استدلال دوم جایگزین مبنای تفسیری برای ازدواج مجدد می‌شود، مبنایی که اصلاح‌طلبان در داستان‌های حقوقی یافتند. شاید بخواهید آن را برجسته کنید.

این در واقع از کلیسای روم می‌آید. از طریق اصلاح‌طلبان می‌آید. این افسانه‌ی قانونی که فرد زناکار باید مرده تلقی شود.

بنابراین، آنها از نظر پزشکی قانونی طرف غیر بی‌گناه را مرده می‌دانستند. بنابراین، این امر اجازه فسخ ازدواج و در نتیجه ازدواج مجدد را می‌داد. بنابراین، می‌توانید ببینید که از نظر تاریخی، همه اینها چگونه به وجود آمده است.

خب، این دیدگاه اراسموسی است. دیدگاهی که باید با آن کاملاً آشنا شوید. و باید در موردش تحقیق کنید.

حجم تکالیف خود را کاهش دهید. سپس پس از آن، سطح، Wenham و Heth اما می‌توانید با شروع از خود را ارتقا دهید. بگذارید نکته‌ای را اینجا بگویم.

در مقدمه، درباره سه اصل یادگیری صحبت کردم. خواندن، خواندن، خواندن. و می‌توانید تحقیق، تحقیق، تحقیق را هم به آن اضافه کنید.

این ممکن است شوکه کننده باشد. اما اگر می‌خواهید در هر موضوع بحث‌برانگیزی که باید در حوزه خدمت شما مورد بررسی قرار گیرد، رهبری کارآمد باشید، باید چیزی حدود چند هزار صفحه اطلاعات را بیرون بیاورید و بخوانید تا بتوانید موضوع را بررسی کنید. می‌توانید طرح کلی موضوع را ترسیم کنید.

می‌توانید مزایا و معایب دیدگاه‌های مختلف مربوط به این موضوع را ببینید. می‌توانید تاریخچه تفسیر را درک کنید. می‌توانید ببینید که جوامع مفسران خوب در رابطه با آن در چه جایگاهی قرار دارند.

حال، این ممکن است برای شما خبر خوبی نباشد، به خصوص در فرهنگ آمریکایی، جایی که ما فرهنگ مطالعه غیرتحقیقاتی در کلیسا داریم. این ممکن است برای شما خبر خوبی نباشد.

و از این بابت متأسفم، اما مطمئناً عذرخواهی نخواهم کرد. شما باید مرد یا زن شوید و مشغول شوید و تکالیف خود را انجام دهید و درک کسب کنید تا از طریق درک و فهم خود بتوانید به مردم کمک کنید تا در مورد مسائل فکر کنند. شما نمی‌توانید این کار را با خواندن یک کتاب و صرفاً به تصویر کشیدن آن برای مردم انجام دهید، که این روش تنبلی برای شانه خالی کردن از زیر بار مسئولیت است که اغلب اتفاق می‌افتد.

شما باید یک پروژه تحقیقاتی گسترده انجام دهید. من در این زمینه چارچوبی برای این کار به شما ارائه نمی‌دهم. من یک فهرست منابع به شما می‌دهم که می‌توانید با کمی کار آن را تهیه کنید.

شاید عجیب باشد، و ممکن است مدتی طول بکشد تا یاد بگیرید در این زمینه کار کنید، اما این کار را انجام دهید. تکالیف خود را انجام دهید، و قادر خواهید بود به مردم کمک کنید. اگر تکالیف خود را انجام ندهید، در نهایت آنها را در راستای جهل خود دستکاری خواهید کرد.

متاسفم، فقط همین. این دیدگاه دسته‌بندی، دیدگاه ازدواج غیرقانونی، این دسته‌بندی بر معانی تخصصی پورنوگرافی تمرکز دارد. ما در واقع می‌توانیم سه دیدگاه داشته باشیم، اگرچه احتمالاً شش یا هفت دیدگاه از متی وجود دارد.

سه دیدگاه. کلیسای اولیه، که طلاق را دلیل جنسی می‌دانست اما ازدواج مجدد را نه. دیدگاه اراسموس، که دلایل جنسی را برای طلاق می‌دانست اما می‌توانستید دوباره ازدواج کنید.

دسته سوم، دیدگاه‌های تفسیری تخصصی از عبارات متی در فصل‌های ۵ و ۱۹. دیدگاه‌های تخصصی در مورد بند استثنا به گونه‌ای که آنها یک استثنای جنسی ساده نیستند، بلکه چیزی ذاتی در جامعه متی وجود دارد. در واقع، این جایی است که جدیدترین و دقیق‌ترین تحقیقات انجام شده است. چرا متی آن را دارد و مرقس و لوقا ندارند؟ مرقس و لوقا به طور مطلق صحبت می‌کنند.

مرقس و لوقا ایده آل صحبت می‌کنند و سپس متی آچار را به دستگاه پرتاب می‌کند. چرا؟ و فرض این است و من فکر می‌کنم فرض خوبی است که متی با یک مسئله داخلی سر و کار داشته که یک استثنای کلی و گسترده نبوده، بلکه یک مسئله تفسیری خاص‌تر بوده و پیشنهادهایی برای آن وجود دارد. در اینجا آنها را می‌بینید.

صفحه ۱۰۵ و بعد از آن. دیدگاه خاخام‌ها وجود دارد. و من فهرست منابع را برای شما آورده‌ام.

این نشان می‌دهد که کلمه «پورنیا» در متی معادل کلمه عبری «زانوت» است که در متن مربوط به طلاق به ازدواج‌های نامشروع در درجات ممنوعه خویشاوندی اشاره دارد. ببخشید، من واقعاً در مورد این موضوع و خویشاوندی موجود در لاویان خیلی خوب نیستم. این موضوع مربوط به اختلاط غیرقانونی مایعات و غیره و ازدواج غیرقانونی و زنا با محارم و غیره است. حتی رایبری، که مطمئناً با همه این نویسندگان دیگر هم‌نظر نیست، این دیدگاه را دارد.

بنابراین، این باید باعث شود برخی از شما احساس راحتی کنید. با این وجود، ما آن را دیدگاه خاخامی می‌نامیم. فیتزمایر این مورد را بیشتر برجسته می‌کند.

اینکه آن را ری بنامیم کمی سخاوتمندانه است، زیرا فیتزمایر قصد دارد به شما نشان دهد که این از طومارهای قمران آمده است، بنابراین ری‌ها کاملاً متأخر هستند. سنت ری که ما می‌شناسیم، تا پس از تخریب معبد در سال ۷۰ میلادی آغاز نشد و میشنا و تلمود تا قرن‌های چهارم و پنجم میلادی، تا آنجا که به نوشتار مربوط می‌شود، تولید نشدند. افرادی که قبل از آن زمان ری نامیده می‌شدند، معلمان محترمی بودند، اما بین حلال و شمایی بودن و غیره که بعداً در سنت‌های ری ظاهر می‌شوند و آنچه ما سنت‌های ری می‌نامیم که پس از تخریب معبد و پس از سال ۷۰ میلادی هستند، تفاوت وجود دارد.

اگر می‌خواهید بدانید که دیوید اینستون-بروئر که در واقع در مورد طلاق نوشته و در فهرست منابع نیز هست، در حال انجام یک مجموعه چند جلدی در مورد میشنا است. می‌توانید آن را از کتاب اردمن پیدا کنید. در جلد اول باید مقدمه او را بخوانید.

اگر تحت تأثیر آموزه‌های نادرست برخی افراد خارج از منطقه گرند ریپدز در مورد خاخام‌ها قرار گرفته‌اید، باید در مورد دیوید در استون بروئر، که در حال تبدیل شدن به مرجع است، تحقیق کنید. او در خانه تیندال با دانشگاه کمبریج در مورد میشنا و سنت‌های خاخامی مرتبط است و من از او این ادعا را می‌گیرم که هیچ سنت خاخامی به شکلی که ما از میشنا و تلمود می‌شناسیم، قبل از سال ۷۰ میلادی وجود نداشته است. حالا باید در مورد این موضوع فکر کنید.

شما کلمه ری را پیدا می‌کنید، اما ری به معنی معلم است و عهد جدید به معنای سنت ری نیست. یعنی میشنا و تلمود. ممکن است در قرن اول، متون شفاهی از آن وجود داشته باشد، اما نمی‌توانید ارتباطی بین اسناد مکتوب قرن چهارم و پنجم و قرن اول پیدا کنید. این یک حوزه دکترای تخصصی است که باید تلاش کرد تا آن مطالب را کشف کرد.

شما نمی‌توانید آن را با فرض و گمان تحمیل کنید، چیزی که در برخی از محیط‌ها برای افرادی که فکر می‌کنند چیزی در مورد دانش یهودی و خاخامی می‌دانند، اتفاق افتاده است. حال، فیتزمایر، در صفحه ۱۰۵ در این متن نقل می‌کند که در سند دمشق، نمونه روشنی از ازدواج با درجات خویشاوندی داریم. این همان کلمه امانت است. متأسفم که خیلی خوب این کار را انجام نمی‌دهم، اما می‌توانم بگویم خویشاوندی که توسط لایوان ۱۸ تجویز شده است، به عنوان زونات برچسب گذاری شده است. در عهد عتیق، زونات هم برای فحشا و هم برای کفر بت‌پرستی استفاده می‌شود.

در ترجمه هفتادگانی (سپتواجینت) این کلمه با پورنیا ترجمه شده است. حالا این ارتباط وجود دارد. هر چه که بخواهیم در مورد ظرافت‌های کلمه «زنوت» در عهد عتیق بگوییم، واضح است که در میان یهودیانی که سند دمشق را تهیه کرده‌اند، این کلمه ظرافت‌های خاص‌تری به خود گرفته است، به طوری که «چندهمسری، طلاق و ازدواج مجدد در درجات ممنوعه خویشاوندی می‌توانست با کلمه عبری «زنوت» مورد اشاره قرار گیرد.

بنابراین، در سند دمشق، ما حلقه مفقوده شواهد برای درک خاصی از واژه «زنوت» به عنوان اصطلاحی برای ازدواج در درجات ممنوعه خویشاوندی یا برای ازدواج با محارم را داریم که به تنه ۲۴ برمی‌گردد. این درک خاصی است که در میان یهودیان فلسطینی قرن اول یافت می‌شود. اکنون او در مورد این موضوع صحبت می‌کند که توضیحی برای متی ۵ و ۱۹ است.

مقاله‌ای با عنوان «متن طلاق متابی» وجود دارد که فیتزمایر درباره آن می‌نویسد. فیتزمایر همچنین کسی است که تفسیر اصلی کتاب مقدس درباره رساله اول قرن‌تین را نوشته است. بنابراین، این دیدگاه خاخامی به یک دیدگاه آکادمیک مهم در رابطه با متن طلاق متابی تبدیل شده است.

دیدگاه کلیسای اولیه در بین محققان خیلی محبوب نیست. دیدگاه اراسموسی، حتی نسخه اصلاح‌شده آن واقعاً در بین بالاترین سطوح علمی دانشگاهی چندان محبوب نیست. اما این جنبه ممنوعه از دیدگاه خویشاوندی، به دیدگاهی کاملاً آکادمیک تبدیل شده است.

در این مورد، گونه‌های مختلفی وجود دارد. در واقع، من فکر می‌کنم که راری واقعاً در دیدگاه ازدواج بین نژادی قرار داشت، زیرا او واقعاً از تمام مطالب قرآن و دیدگاه خاخام‌ها مطلع نبود. اما او در همان دسته قرار می‌گیرد، حتی اگر ممکن است گونه‌ی متفاوتی از این دیدگاه بوده باشد.

در اینجا منظور از پورنیا، ازدواج بین یهودیان و غیریهودیان است، این دیدگاه ازدواج بین یهودیان و غیریهودیان که طبق قانون ممنوع است. بنابراین، آنها می‌گویند که استثنای متی یک استثنای عمومی جنسی نبوده، بلکه استثنایی در رابطه با این مسئله ازدواج نامشروع بوده است. و دیدگاه خاخام‌ها می‌گوید که این یک استثنا در مورد این مشکل داخلی با ازدواج مجدد خویشاوندی است.

بسیار خوب. این یک دیدگاه تخصصی است. یک دیدگاه تخصصی دیگر چیزی است که به عنوان دیدگاه نامزدی شناخته می‌شود.

این دیدگاه در بین بسیاری بسیار محبوب است. بهترین کتاب در این مورد، نوشته‌ی ایزاکسون، «ازدواج و خدمت در معبد جدید» است. این دیدگاه همچنین پورنیا را به عنوان یک مرجع تخصصی، نه به عنوان یک مرجع عمومی، در نظر می‌گیرد.

استدلال می‌شود که متی برای مخاطبان یهودی نوشته است که با رسم و قانون طلاق در مورد زن نامزد شده‌ای که از نظر جنسی بی‌وفا تشخیص داده شده بود، آشنا بودند و اینکه پورنیا اصطلاحی بوده که آنها به طور خاص در اشاره به گناه جنسی در طول دوره نامزدی و در نتیجه باعث طلاق می‌دانستند. ما حتی می‌توانستیم در مورد مریم و یوسف پیرسیم، و یوسف قصد داشت او را کنار بگذارد، که می‌توانست در آن روایت باشد، اما او این کار را نکرد. دوره نامزدی به عنوان ازدواج تلقی می‌شد و قانون نیز با آن به همین صورت رفتار می‌کرد، اما ارضای جنسی تا پس از مراسم واقعی ازدواج رخ نمی‌داد.

مشکل اصلی این است که محدودیت شدید در مورد اصطلاح پورنیا برای آن دیدگاه محدود، به سختی قابل تحمل است و من به متی ۱ استناد کرده‌ام و حتی می‌توانستم در روایت مریم و یوسف در آنجا نقش داشته باشم. اما دیدگاه نامزدی یک دیدگاه اصلی است. فرقه برادران گریس به دیدگاه نامزدی اعتقاد داشتند و ممکن است هنوز هم آن را داشته باشند، نمی‌دانم.

در واقع، مدرسه الهیات گریس، در تاریخ اولیه خود، یک مدرسه علمیه بزرگ در میان انجیلی‌ها بود. در خود ندارند زیرا برنامه MDiv اولین کاتالوگ آن، آمده بود که افراد مطلقه نیازی به درخواست برای برنامه آنها برای انتصاب به مقام کشیشی بود و آنها طلاق را به عنوان رد صلاحیت برای انتصاب MDiv می‌دانستند. اکنون، آنها این را تغییر داده‌اند. من 10 سال در هیئت علمی آنجا بودم و تقریباً 20 سال به عنوان دانشجو و عضو هیئت علمی آنجا بودم. من از نزدیک آن موقعیتی را که در همان ابتدا از کاتالوگ حذف شد، درک می‌کنم. من 10 سال آنجا بودم.

رویکرد اساسی او این است که بداند عهد جدید در کجا ادامه می‌یابد، سنت‌های عهد عتیق، که تحت تأثیر یهودیت مدرن در قرن اول به عنوان مبنایی برای طلاق یا ازدواج مجدد قرار گرفته‌اند. بنابراین، اساساً اینستون-بروئر در حال ادامه درک یهودیان معبد دوم از طلاق و ازدواج مجدد به عنوان راهی قابل قبول است. من اینستون-بروئر را به طور کامل مطالعه نکرده‌ام.

این تقریباً زمانی منتشر شد که من داشتم این چیزها را کنار می‌گذاشتم، و من دیگر پیگیری نکرده‌ام، بنابراین چیز زیادی در مورد اینستون بروئر نمی‌گویم جز اینکه او یک محقق خوب است. اما با توجه به کمی که بررسی کرده‌ام، به جای اینکه با اینستون-بروئر همراه شوم، به دیدگاه فیتزمایر در مورد زانوت پایبند خواهم ماند. دیدگاه اینستون-بروئر از یک جهت مناسب است زیرا در را به روی طلاق به شیوه‌ای بهتر از اکثر دیدگاه‌های دیگر باز می‌کند.

، اراسموسی A کلیسای اولیه، ۲ A ارزیابی خلاصه‌ای از دیدگاه‌ها، صفحه ۱۰۷. می‌خواهم آن را اصلاح کنم. ۱. سایر دیدگاه‌ها ۳A.

کلیسای A بالای صفحه ۱۰۷، شما باید ۱، A بنابراین، می‌توانید تقسیم‌بندی سه‌گانه را ببینید. بنابراین ۱ تغییر دهید، همه دیدگاه‌های A را به ۳ A تغییر دهید، دیدگاه اراسموسی، ۲ A را به ۲ A اولیه را ارائه دهید، ۱ دیگر. بنابراین گفتم که اساساً سه انتخاب وجود دارد.

شما دیدگاه کلیسای اولیه، دیدگاه اراسموسی یا دسته سوم را در نظر بگیرید که از بین آنها پنج یا شش دیدگاه وجود دارد، اما همه آنها تخصصی هستند. آنها استثنائات عمومی گناه جنسی نیستند. همه آنها تخصصی هستند.

شما یکی از آنها را انتخاب می‌کنید، و در نهایت متی همان مرقس و لوقا می‌شود، که متی استثنای کلی قائل نشده است. اما متی به هر دلیلی در مورد چیزی در جامعه خودش صحبت می‌کند، و در نهایت، تمام متون طلاق در کتاب مقدس موافقت که طلاق و ازدواج مجدد وجود ندارد. من این را ایده‌آل می‌نامم.

لطفاً به آن توجه کنید. ایده‌آل. به نظر من، کتاب مقدس در مورد این موضوع، ایده‌آل را آموزش می‌دهد.

طلاق و ازدواج مجدد مسئله‌ای بسیار حساس است. استعاره‌های زیادی در این مورد وجود دارد، در تمام کتاب مقدس، چه در عهد عتیق و چه در عهد جدید. و کتاب مقدس هرگز رویه قضایی مشخصی برای رسیدگی به طلاق و ازدواج مجدد ارائه نداده است.

این به ما ایده‌آل داد، و ما قرار است بعد از آن با آن کنار بیاییم. به عبارت دیگر، شما ایده‌آل را دارید. ایده‌آل در یک دنیای ویران خیلی رایج نیست، اما به ما یاد داده‌اند که چگونه با یک دنیای ویران کنار بیاییم.

ما با جهانی شکسته در امتداد خطوط شناخت حقیقت، توبه در صورت انحراف از حقیقت، و فرآیند بازسازی، در واقع، فرآیند بخشش، که منجر به فرآیند بازسازی می‌شود، سروکار داریم. این بازسازی در امتداد خطوط درک این موضوع انجام می‌شود که آن گناه خاص، پیامدهایی فراتر از بازسازی ساده دارد. و این پیامدهایی در رابطه با سمت‌های وزارت و غیره دارد.

در این مورد، من فکر می‌کنم کتاب مقدس ایده‌آل را آموزش می‌دهد. وقتی. بسیار خوب، پس نظر متر، 9 عیسی در مرقس و لوقا با این موضوع روبرو می‌شود، به پیدایش برمی‌گردد و می‌گوید، از ابتدا، چنین نبوده است.

یک مرد، یک زن، همین. او توضیح بیشتری نمی‌دهد. باشه؟ این برای ما مایه تاسف است، اما خب، این راهی است که باید رفت.

وقتی پولس در اول قرن‌تین ۷ با آن مواجه شد، کاملاً جای فوق‌العاده‌ای بود که ایده‌ای اراسموسی یا هر ایده دیگری را مطرح کند و در را باز کند. پولس هرگز این کار را نکرد. او از سنت دومینیک به دقیق‌ترین شکل ممکن از مرقس و لوقا استفاده کرد.

او هرگز از متی استفاده نکرد. بله، این استدلالی از روی سکوت است، اما سکوتی است که برای من کرکننده است. او عیسی را به عنوان کسی که ایده‌آل را تعلیم می‌دهد، درک می‌کرد و این همان چیزی است که پولس در اول قرن‌تین ۷ به آن پایبند است. اما دیدگاه‌های دیگری نیز وجود دارد که اکثر آنها، برخی از آنها حتی

امروز وجود ندارند و خیلی دنبال نمی‌شوند زیرا فرهنگ از نظر بسیاری از آموزه‌ها به معنای عملی کلمه، از کتاب مقدس پیشی گرفته است و بنابراین در نتیجه هیچ کس زیاد نگران آن نیست.

ما فقط کار خودمان را می‌کنیم. این یک وضعیت تأسف بار است، اما این جایی است که ما هستیم. ایده آل

حالا، بگذارید از شما یک سوال بپرسم. بسیار خوب، من به این ایده آل پایبندم. یک مرد، یک زن، چهار زندگی، فقط مرگ این اتحاد را از هم می‌پاشد.

ازدواج مجددی در کار نیست. این ایده آل. حالا، چیکار می‌کنی؟ حالا با دقت گوش کن

که ایده آل نیست چه می‌کنید؟ خب، پاسخ این است که با آن کنار می‌آیید. تشخیص گناه، طلب بخشش گناه، ترمیمی که به وضوح مشخص شده و در برخی زمینه‌ها، مانند حوزه‌های رهبری، خواه ناخواه یا سخاوتمندانه نیست. گناه، گناه است و این گناه به ویژه سلب صلاحیت می‌کند و این یک حقیقت تلخ است، اما این در فرهنگ آمریکایی قابل قبول نیست.

در فرهنگ آمریکایی، رهبران مذهبی که گناهان جنسی مرتکب می‌شوند، می‌خواهند بعد از حدود یک یا دو ماه دوباره به حالت عادی برگردند. شاید آنها واقعاً سخاوتمند باشند و شش ماه تا یک سال به آنجا بروند، و بعد می‌خواهند درست به همان جایی که با کلیساهای بزرگ، بودجه‌های کلان و درآمد بالایشان بودند برگردند و کاملاً تیرئه شوند. فکر نمی‌کنم کتاب مقدس اینگونه به این موضوع نگاه کند.

بخشید. شاید این حرف تند به نظر برسد، اما به نظر من کتاب مقدس در این زمینه خاص محدودکننده‌تر است. حق مطلب را ادا کنید.

شما می‌توانید به رفاقت کامل با عیسی مسیح و به رفاقت با جماعت خود بازگردید، اما آن قلمرو ویژه رهبری به راحتی قابل مشاهده نیست. در واقع، فکر نمی‌کنم که کشیشان آن را تشخیص دهند. فرهنگ فعلی ما این را تشخیص می‌دهد.

ما به ساختارهای خلاقانه خود ادامه می‌دهیم، اما فکر می‌کنم اگر این مورد شما باشد، هوشمندانه‌تر این است که تسلیم نشوید و با بخشش کاملاً احیا شوید، اما از رهبری که شاید زمانی بودید دست بکشید. حالا شما این را دوست نخواهید داشت، و این آسان نیست، و چیزهایی مثل این به ذهن‌تان می‌رسد که، خب، خدا مرا به انجام این کار فراخوانده است، و بنابراین، بنابراین، من کتاب مقدس را نادیده می‌گیرم و کاری را که می‌خواهم انجام می‌دهم و کاری را که برخی به من می‌گویند می‌توانم انجام دهم، انجام می‌دهم. خب، ادامه بده.

من مادرت نیستم. من نگهبان تو نیستم، اما باید واقع بینانه با این موضوع برخورد کنی. من یک محقق، یک محقق بزرگ که نامش را ذکر نمی‌کنم، را می‌شناسم که در این وضعیت افتاد و سابقه‌اش پس از آن کناره‌گیری بزرگی از نقش رهبری است.

او یا را فراتر نگذاشته است. او بیشتر یک معلم بود تا یک کشیش، هرچند که وزیر بود. او به همکاری با ناشران دانشگاهی و برخی کارهای دیگر ادامه داده و کارهای بزرگی انجام داده است.

ما حتی سعی کردیم او را به عنوان استادیار، چه خوب و چه بد، در مدرسه‌ای که من تدریس می‌کردم استخدام کنیم، چون مرد خوبی بود و شکستش را به جان خریده بود. ما به اندازه کافی فکر می‌کردیم که حداقل می‌تواند تدریس کند، اما او این کار را نکرد زیرا به جدی بودن آن شکست اعتقاد داشت. او

خانواده‌اش را دوباره ساخت. او به یک جامعه کوچک نقل مکان کرد و تا آنجا که من می‌دانم، یک زندگی مسیحی پایدار داشته است، و با این حال به کار خود به عنوان یک محقق ادامه داد، اما در انزوا.

خیلی سخته. اون تنها آدم ثابت قدمیه که من می‌شناسم. بیشتر کسانی که ما می‌بینیم کشیش‌های سطح بالایی هستن که گناه رو توجیه می‌کنن و بعد ظرف یک سال دوباره به نقش‌های رهبریشون تو کلیسا برمی‌گردن.

خب، آنها باید به این موضوع پاسخ بدهند. من فقط چیزی را که فکر می‌کنم کتاب مقدس می‌گوید به شما می‌گویم. حالا، مسئله ازدواج مجدد

من اینجا خیلی وقت ندارم. می‌خواهم یک کتاب به شما پیشنهاد کنم. دو تا از آنها وجود دارد.

تنها کتابی که در مورد مسئله طلاق می‌شناسم و واقعاً به مسئله ازدواج مجدد می‌پردازد، کتاب اندرو کورنیس است. این کتاب در انگلستان نوشته شده است. فکر می‌کنم او پیرو کلیسای انگلیکان است، اما بخش خوبی در مورد ازدواج مجدد دارد.

این در کتابشناسی است، و در یادداشت‌های من اینجا در صفحه ۱۰۷ در وسط آمده است. اندرو، کورنیس، باید آن را بخوانید. علاوه بر این، مارک استراوس و پراستار یک کتاب مقابله‌ای با زوندروان بود کتابی درباره دیدگاه‌ها در مورد ازدواج مجدد پس از طلاق، و در آنجا، حدود چهار دیدگاه از محققان و دیدگاه‌های فرقه‌ای در مورد چیستی این موضوع خواهید یافت.

حالا، پیشنهاد می‌کنم قبل از اینکه وارد بحث ازدواج مجدد شوید، ابتدا متن طلاق را به طور کامل بررسی کنید تا بتوانید به این فکر کنید که این افراد از کجا می‌آیند، زیرا قرار نیست تمام دلایل را به شما ارائه دهند. آنها فقط یک دلیل محدود به شما ارائه می‌دهند و سپس به سراغ موضوع دیگری می‌روند. برای اینکه بتوانید بهترین تصمیمات خود را بگیرید و با آن کنار بیایید، باید قبل از اینکه به سراغ ازدواج مجدد بروید، ابتدا این مطالعه را انجام دهید.

در کتاب پیدایش، همانطور که در مورد آن صحبت کردیم، «پیوند» به معنای خویشاوندی یک تن است. پیوند ازدواج چیست؟ ردیابی اهمیت «یک تن» نشان می‌دهد که عهد عتیق ازدواج را عملی می‌دانست که باعث می‌شود دو نفر با هم مرتبط شوند. این موضوع در نحوه اعمال قوانین خویشاوندی، به ویژه در لایوان و تثنیه، برای افراد متاهل ذکر شده است.

همانطور که اصل روابط خونی پیوندی ایجاد می‌کند که بنا به تعریف، قابل گسستن نیست، ازدواج نیز پیوندی ناگسستی ایجاد می‌کند که تنها با مرگ از بین می‌رود. این آموزه‌ی قطعی کتاب مقدس است. آن را ریشه‌یابی کنید.

دو، مسئله‌ی انحلال‌پذیری. حالا به ساختارهای ضمنی و خلاقانه می‌رسیم. تنها راه برای دور زدن گفته‌های واضح عیسی مبنی بر ازدواج مجدد پس از طلاق، زنا است و این سوال دیگری است که مدت آن چقدر است و این به چه معناست.

اجازه می‌دهم خودتان ادامه‌اش را بدهید، نوشته‌های مربوط به آن موجود است. اصلاح‌طلبان از اصل به اصطلاح خیال‌پردازی قانونی استفاده کرده‌اند. اگر دلیلی برای طلاق وجود داشته باشد، شامل ازدواج مجدد هم می‌شود و این یعنی شریک زندگی مرده محسوب می‌شود.

این یک افسانه است. آنها نمرده اند، اما مرده تلقی می شوند. بنابراین، هم رومیان و هم اصلاح طلبان و اکثر سنت ها یک افسانه قانونی دارند.

شریکی که از نظر جنسی خیانت می کند، از نظر قانونی مرده تلقی می شود، اما این روزها حتی این هم کارساز نیست زیرا موقعیت های بسیار دشواری با سوءاستفاده و غیره وجود دارد. برای مثال، دادگاه های آمریکا امروزه به جز ناسازگاری به هیچ چیز دیگری در مورد طلاق نمی پردازند. آنها قضاوت نمی کنند و در مشروعیت طلاق چیزی به عنوان طرف بی گناه وجود ندارد.

ممکن است دلایل قانع کننده ای برای فکر کردن به این موضوع به عنوان یک انسان و یک مسیحی وجود داشته باشد، اما واقعیت این است که دادگاه ها آن را به رسمیت نمی شناسند. همانطور که اصل روابط خونی پیوندی ایجاد می کند که بنا به تعریف، قابل گسستن نیست، ازدواج نیز پیوندی ناگسستنی ایجاد می کند که فقط با مرگ از بین می رود. بنابراین، وجود یک داستان حقوقی ضروری است.

این جمله ای بود که در انتهای پاراگراف شماره یک آمده بود. داستان حقوقی. موری فرض می کند که طلاق معتبر، انحلال ازدواج است.

بنابراین، این فرض است. این پیامد است. این ساختار خلاقانه است.

تعدادی توضیحات دیگر در بین مفسران اراسموس وجود دارد، زیرا همه آنها نیاز به پرداختن به مسئله انحلال را تشخیص می دهند. آیا ازدواج مجدد توسط متن اصلی مورد توجه قرار گرفته است؟ قرار دادن عبارات استثناء، به ویژه متی ۱۹، اما متی ۵ نیز، هنگامی که در پرتو الگوهای دستوری معمول در متی و عهد جدید مطالعه شود، استدلال می کند که این امر برای کنار گذاشتن آنچه قبل از آن آمده و عدم ازدواج با آنچه بعد از آن آمده است، صدق می کند. بنابراین از نظر دستوری، استدلال خوبی نیست که سعی کنیم آن را با ازدواج مجدد در نظر بگیریم، بلکه آن را با طلاق در نظر بگیریم.

این تفسیر با انجیل مرقس و لوقا مطابقت دارد، یعنی ازدواج مجدد همیشه به عنوان زنا تلقی می شود. من در مورد ماهیت پزشکی قانونی این موضوع صحبت می کنم. من نمی گویم که زنا برای همیشه است.

فکر می کنم راه هایی برای مقابله با این پیامد ضمنی وجود دارد، زیرا این ایده آل در واقع به من آزادی بیشتری برای مقابله با مشکلات نسبت به هر دیدگاه دیگری می دهد، زیرا گناه ایده آل را می شکند و شما باید با آن مقابله کنید. و خدا این را می داند، و کتاب مقدس این را می داند. کتاب مقدس با هر گناه دیگری سروکار دارد، اما این یکی به دلیل مسئله خویشاوندی و به دلیل استعاره های زیادی که بر اساس آن ساخته شده است، بسیار خاص است که مقابله با آن دشوار می شود.

این نظر یک ضرورت پزشکی قانونی است که لزوماً به معنای زنا دائمی نیست: کاربرد، فلسفه و داده های کتاب مقدس. شما باید با درک متن طلاق شروع کنید.

این مقدار زیادی مطالعه و تحقیق است. خوشبختانه، واقعاً متمرکز است. روی متیو تمرکز دارد.

این موضوع به اول قرن بیستم، ۷، موضوع ترک خدمت، اختصاص دارد. می توانید مقالات کافی در این مورد پیدا کنید تا بتوانید اسب را خفه کنید. پس بروید، آنها را پیدا کنید، آنها را پیدا کنید.

در عصر کامپیوتر، پیدا کردن آنها حتی آسان تر هم شده است. من می توانم تمام روز اینجا پشت کامپیوترم بنشینم و از کتابخانه مدرسه که قبلاً به آن می رفتم، مقالات را چاپ کنم. من قفسه هایی از این چیزها دارم.

من هیچ وقت بهش نمی‌رسم. قبل از اینکه بهش برسم، می‌میرم. این کار توئه

مشکل فرهنگی همیشگی این است که آیا ما دیدگاه خدا نسبت به زندگی را خواهیم پذیرفت یا اینکه تلاش خواهیم کرد دیدگاه خودمان را تحمیل کنیم. ما می‌توانیم این را از روی ظاهر توجیه کنیم. من می‌توانم آن را بهتر از شما توجیه کنم.

می‌توانید آن را توجیه کنید. همه ما این کار را می‌کنیم چون از آن خوشمان نمی‌آید. ما کتاب مقدس را به یک سند قدیمی نسبت می‌دهیم و انواع و اقسام کارها را انجام می‌دهیم.

به نظر من، تنها توجیه موجه این است که وقتی شما هم مثل من این دیدگاه را دارید که کتاب مقدس آرمان را آموزش می‌دهد، توجیه شما حالا موجه می‌شود، چون ما دائماً با گناه سر و کار داریم. ما با جهانی نه چندان ایده‌آل سر و کار داریم و باید ساختارهایی ارائه دهیم که معقول باشند. باید بپذیریم که با گناه سر و کار داریم.

گناه نقض اراده‌ی آشکار خداوند است. و اراده‌ی آشکار خداوند در مورد این سوال در ذهن من کاملاً واضح است. اما ایده‌آل و این واقعیت که الهیات سقوط به آن می‌پردازد، در واقع چشم‌اندازهای من را در مواجهه با آن، بسیار بیشتر از هر یک از دیدگاه‌های اولیه‌ی کلیسای اولیه یا دیدگاه اراسموسی در مورد هرگونه تغییر یا حتی بسط‌های گسترده‌ی آن در فرهنگ فعلی ما، باز می‌کند.

من می‌توانم ساختارهایی برای پرداختن به همه این مسائل از ساختارهای ضمنی و اخلاقانه ایجاد کنم، اما واقعیت این است که همه اینها نقض نیت ایجاد شده در ایده‌آل است. ما باید بر اساس یک فلسفه جامع کتاب مقدس پیش برویم. خدا چگونه با یک جامعه گناهکار برخورد کرده است؟ حتی تثنیه 24 نیز به ما بینشی در این مورد می‌دهد.

خدا با یک جامعه گناهکار سر و کار دارد. او طلاق را در تثنیه 24 دیکته نکرد. او از طریق موسی زنا را محارم را ممنوع اعلام کرد.

مفاهیم اول قرن‌تیان 6، برخی از شما چنین بودید. ماموریت پولس غیریهودی و جهانی که او درگیر آن بود، این جذاب است. وقتی پولس رفت و کلیساها را تأسیس کرد، مجبور بود رهبرانی را منصوب کند، و این می‌تواند به طرق خاصی علیه من استدلال شود، و این پیچیده می‌شود زیرا شما باید در مورد پیش از مسیحیت، پس از مسیحیت و غیره صحبت کنید.

آیا فکر می‌کنید پولس توانست افرادی را در آن کلیساها به رهبری منصوب کند که در گناه جنسی شرکت نکرده بودند؟ مطلقاً نه. این غیرممکن بود. ما قرن‌تس رومی را دیده‌ایم.

ما ضیافت‌ها را دیده‌ایم. ما معابد را دیده‌ایم. پس، شما مدتی در مورد آن فکر می‌کنید و آن را باز می‌کنید.

این بخشی از حوزه ساختار خلاق ضمنی است. چهارم، آیا در متن عهد جدید، توسعه الهام‌بخشی وجود دارد؟ این سوال دیگری است که زیاد با شما در مورد آن صحبت نکرده‌ام و نخواهم کرد، اما برخی از مفاهیم در آن وجود دارد که در ادبیات مطرح خواهد شد. آیا پولس فراتر از عیسی توسعه می‌یابد؟ این سوال دیگری است.

دو، چگونه به کسانی که می‌پرسند آیا ازدواج مجدد معتبر است پاسخ می‌دهید؟ آیا دیدگاه کتاب مقدس در مورد ازدواج و طلاق را درک می‌کنید؟ اگر این را درک نکنید، نمی‌توانید سوال را بفهمید. نمی‌توانید با سوال کنار بیایید. ببینید، این خدمت، رهبری و کار سخت است.

این برای ترسوها نیست. بروید ماشین‌های دست دوم بفرشید. آیا به این درک رسیده‌اید؟ با فرض معیارها و ضوابط اخلاقی خاصی که در این سوال مطرح خواهد شد، حداقل یک اصل این است که همانطور که هستید بمانید.

سوالی که مربوط به قبل و بعد از تغییر دین و غیره است. چگونه می‌توانیم امیال انسانی که خدا در ما آفریده را توجیه کنیم؟ میل به روابط. خوب است که یک مرد تنها نباشد.

و ازدواج‌های از هم پاشیده و میل به رابطه جنسی، اسمش را گذاشته‌اند همراهی، و همینطور هم هست، این بخشی از میل خلاقانه است، اما می‌ترسم که در سال‌های اولیه زندگی‌مان، و شاید حتی سال‌های بعدی همه چیز در مورد رابطه جنسی باشد. و این یک کشش قوی است.

میل جنسی یک مقوله‌ی خلاقانه است. خدا آن را خلق کرده است. حالا ما باید با آن کنار بیاییم.

الف. به جهان‌بینی کتاب مقدسی پایبند باشید. رابطه‌تان را با خدا از نو بسازید ۲

درک خود را از کلام او افزایش دهید. به آرامی و با دقت و تأمل انتقادی در مورد روابط جدید پیش بروید. و مطمئن شوید که تکالیف کافی را انجام داده‌اید.

و این برای هیچ‌کس آسان نخواهد بود، حتی اگر شما فردی آموزش‌دیده در مطالعات کتاب مقدس باشید، حتی اگر بتوانید مقالاتی را که به زبان‌ها مربوط می‌شوند بخوانید و آنها را بفهمید، صرف نظر از سطح توانایی‌تان در زبان‌ها.

یا اگر زبانی نمی‌دانید، مطالب زیادی برای خواندن وجود دارد و همیشه می‌توانید مطالب مهم‌تر از خودتان را بخوانید. این کار بزرگی است. اما ما نمی‌توانیم مسئولیت خود را برای مقابله با آن در دنیای خودمان لغو کنیم.

دنیای ما از کنارمان گذشته است. این دنیا تا حد زیادی بر اساس احساس من، فرصت صحبت در مورد آموزه‌های کتاب مقدس را از ما گرفته است. ورود به این حوزه کار جالبی نیست.

اما پاکی کلیسا این را ایجاب می‌کند. و پاکی شخصی خودمان هم این را ایجاب می‌کند. این شما را بیدار می‌کند. تا این مطالب را مطالعه کنید.

خب، من سعی کردم یک الگو و تصویر کلی به شما ارائه دهم. اما بیشتر از همه، سعی کردم منابعی را در اختیارتان قرار دهم. به شما گفتم از کجا شروع کنید.

می‌توانید نام‌ها را از طریق طرح کلی من اینجا ببینید. اینها می‌توانند نقطه شروع باشند. اما هت و ونهام تا یک نقطه خاص، تصویر کلی را به شما ارائه می‌دهند.

بعدش باید از اونجا شروع کنی. کلی مطلب در مورد این سوال هست. کار راحتی نیست.

کمی طول می کشد. اگر کشیش هستید، از کلیسای خود مرخصی بگیرید تا مطالعه کنید. از قبل برنامه ریزی کنید تا وقت تلف نکنید.

مجبور خواهی شد خودت را منزوی کنی. شاید قبل از اینکه فرصت انجام تکالیف را با تمرکز پیدا کنی، کلی کار انجام بدهی. در نهایت، باید تصمیماتی بگیری.

اما این موادی است که باید با آن این کار را انجام دهید. این مواد شما را به انجام این کار هدایت می کنند. این مواد به خودی خود آنها را برای شما نمی سازند.

اما این به شما چارچوبی می دهد که می توانید از آن چارچوب خودتان را بسازید. خب، برایتان آرزوی موفقیت می کنم. برای شما انگیزه و فرصت انجام کاری را که برای یک رهبر مسیحی خوب بودن لازم است، صرف نظر از اینکه در چه سطحی هستید، آرزو می کنم.

چه یک فرد عادی باشید که در مدرسه یکشنبه تدریس می کنید، چه از کارکنان کلیسا، چه کشیش ارشد، چه از بزرگان کلیسا، چه از شماس کلیسا، یا صرفاً یک مسیحی که واقعاً می خواهد آگاه باشد، تکالیف خود را انجام دهید. هیچ راه میانبری برای درک کلام خدا وجود ندارد.

تا جایی که می توانید روز خوبی داشته باشید.

این دکتر گری میدورز در حال تدریس در مورد کتاب اول قرنطیان است. این جلسه 20، اول قرنطیان 7، پاسخ پولس به مسائل جنسی و ازدواج، بررسی اجمالی کتاب مقدس و طلاق است.